

Siasate motalieh, 7th Year, No.26, Autumn 2019, pp. 193-226
DOI: 10.22034/sm.2019.37747

The nature of economic security and its requirements according to Iranian Islamic Patterns

Bahram Akhavan kazemi¹

*1. Prof. Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Shiraz university, Iran;
kazemi@shirazu.ac.ir*

Received: 28 April 2019; **Accepted:** 21 October 2019

Abstract

The major goal of this project was to explain the mechanism of providing economic security according to Quran and narrations. With this regard the associations of security with higher financial status and contributing factors to providing economic security have been argued throughout this research. The results indicate that –long back in the history- the complex concept of economic security and its mechanism was meticulously mentioned throughout the narrations and Quran. According to the research results not only it is possible to provide economic security via adapting such a practical guidance, but also the justice centered development and progression can be promoted around the Islamic human society under the dominance of monotheistic system.

Keywords: Economic security, Iranian Islamic Progression Patterns, Economic justice, Justice centered Development.

ماهیت و الزامات امنیت اقتصادی در الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت

بهرام اخوان کاظمی^۱

۱. استاد، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران: kazemi@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۹

چکیده

هدف پژوهش حاضر واکاوی امنیت اقتصادی و سازوکارهای تأمین آن بر مبنای منابع و آموزه‌های قرآنی و روایی و با روش توصیفی-تحلیلی بود. در این راستا، تعامل امنیت با استغنائی مادی و اقتصادی، عوامل ایجاد و تقویت امنیت اقتصادی و نیز عوامل مخل امنیت اقتصادی در آیات و روایات مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها حاکی از آن است که- بسیار پیش از این- در منابع قرآنی و روایی، مفهوم متطور و پیچیده امنیت اقتصادی و سازوکارهای تأمین آن، به گونه‌ای بسیار دقیق و ملموس، مورد تبیین و تصریح قرار گرفته است و با اتکا به این رهنمودهای متقن و عملی می‌توان ضمن تمهید و تأمین امنیت اقتصادی، جامعه اسلامی و بشری را در مرزهای ایمان و نظام توحیدی، به توسعه عدالت محور و پیشرفت و تعالی مادی و معنوی رهنمون ساخت.

واژه‌های کلیدی: امنیت اقتصادی، الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت، عدالت اقتصادی، معیشت، توسعه عدالت محور.

مقدمه

امنیت از موضوعات بسیار مهمی است که در قرآن و روایات با مشتقاتی از ثلاثی مجرد «أمن» به گستردگی به آن اشاره شده است. معمولاً این مفهوم را به معنای اطمینان، آرامش در برابر خوف، تفسیر، تعریف و ترجمه کرده‌اند که تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک و شامل دو بعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت است. از یک سو اطمینان، آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر فقدان خوف، دلهره و نگرانی، که موجب سلب آرامش و اطمینان می‌گردند. پیوند معنایی ناگسستنی این اصطلاح با نفس کلمه‌های اسلام، ایمان، و مؤمن حاکی از اهمیت فوق‌العاده مفهوم امنیت است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶، ص ۱۵).

در طراحی و عملی‌سازی الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت و تحقق یکی از ابعاد مهم موضوع امنیت، وجه یا بُعد اقتصادی آن است که با توجه به اهمیت موضوع معیشت و اقتصاد در حیات مادی و معنوی انسانی، تبیین این موضوع و سازوکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی از اهمیت فراوانی برخوردار است. یکی از دلایل مهمی که انجام چنین پژوهش‌هایی را ایجاب می‌کند این است که در شرایط فعلی کشور، یکی از دغدغه‌های اساسی کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، تأمین بهینه معیشت مردم و حفظ امنیت اقتصادی آنها است و به همین دلیل نیز دهه چهارم انقلاب اسلامی، دهه عدالت و پیشرفت نامیده شده است، تا با ایجاد توسعه‌ای عدالت محور، و پیشرفت و تعالی مادی و معنوی، امنیتی همه جانبه و از جمله امنیت اقتصادی برای عموم مردم ایجاد شود. بر همین مبنا، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که: «آیا امنیت اقتصادی و سازوکارهای تأمین آن در منابع و آموزه‌های قرآنی و روایی تعریف شده است؟». بنا بر این سوال، مفروض مورد اثبات این نوشتار بدین صورت قابل طرح است که: «به نظر می‌رسد که مفهوم متحول و پیچیده امنیت اقتصادی و راهکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی با استواری و اتقان لازم بیان شده است». شایان ذکر است که یکی از اهداف نگارش نوشتار حاضر، تلاش در جهت تکمیل بخش پنجم پیش‌نویس اولیه سند الگوی پایه پیشرفت (سند تدابیر)، بویژه در حوزه تحقق تدابیر بسط عدالت اجتماعی (مواد ۱۱، ۱۰، ۵، ۳، ۲)، می‌باشد.

۱. مفهوم امنیت اقتصادی

از سال ۱۹۴۵ میلادی، ایده امنیت اقتصادی جایگاه والایی در دستور کار نظام‌های سیاسی یافته و همه آنها تلاش کرده‌اند که برای شهروندان خود امنیت اقتصادی را تامین کنند. این بُعد از امنیت، پس از جنگ سرد اهمیت روزافزونی یافت و دانش‌پژوهان و سیاست‌گذاران، ضمن تأیید ارتباط امنیت اقتصادی با ایمنی جامعه، بدنبال راه‌های جدیدی جهت وارد کردن موضوعات اقتصادی، در راهبردهای سنتی دفاعی بوده‌اند. همچنان‌که بسیاری از کشورهای جهان سوم از شعار تامین اقتصادی برای اصلاح موقعیت نامساعد خود بهره گرفته و می‌گیرند. از سوی دیگر، در عرصه بین‌المللی استفاده از امکانات اقتصادی به عنوان یک اهرم کارساز، هم باعث ایجاد آسیب‌پذیری بیشتر دولت‌ها و هم رشد افزون‌تر اهمیت موضوع امنیت اقتصادی شده است، زیرا با جهانی شدن اقتصاد و افزایش همبستگی اقتصادی واحدها، دولت‌ها بیش از هر زمان دیگر برای تأمین نیازمندی‌های خود به یکدیگر وابسته هستند. در حال حاضر نظام‌های سیاسی ضمن دنبال کردن راهبردهای خودکفایی اقتصادی ملی، ضرورت امنیت اقتصادی مبتنی بر راهبردهای وابستگی متقابل جهانی را نیز به شدت دنبال می‌کنند، هرچند در هیچ نقطه از عالم شاهد تحقق کامل همکاری اقتصادی مؤثر و مطمئن جهانی نیستیم و توزیع جهانی کالا و خدمات اقتصادی بطور قابل ملاحظه‌ای آشفته و به سود دولت‌های پیشرفته و کشورهای شمال بوده، لذا، شکاف بین فقرا و اغنیا در عرصه بین‌المللی و بین ملت‌ها بیشتر شده است.

امنیت اقتصادی به چه معنا است؟ از نظر رابرت ماندل^۱ امنیت اقتصادی عبارت است از: «میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی» (ماندل، ۱۳۷۷: ص ۱۰۷).

باری بوزان^۲ نیز از امنیت اقتصادی سخن رانده و در سه سطح فردی، گروه‌ها و طبقات به این

1. Robert Mundell

2. Barry Buzan

موضوع می‌پردازد که در اینجا نظر به نیاز، سطح فردی تشریح می‌شود. از نظر وی، در سطح فردی، امنیت اقتصادی به میزان دسترسی انسان به ضروریات زیستی (غذا، آب، سرپناه و آموزش) مربوط است. در سطوح بالاتر، ایده امنیت اقتصادی با دامنه وسیعی از بحث‌های بسیار سیاسی درباره اشتغال، توزیع درآمد و رفاه مرتبط می‌باشد. به نظر بوزان، امنیت اقتصادی فرد تنها به شرایط زیستی محدود نمی‌شود، بلکه تأمین این امنیت به معنی حفظ سطح مشخصی از استاندارد زندگی است، به عنوان نمونه اشتغال یا حق حداقل دستمزد را باید از شرایط ضروری امنیت اقتصادی بدانیم (بوزان، ۱۳۷۸: ص ۲۶۶).

بدین ترتیب می‌توان استنتاج کرد که امنیت اقتصادی همان شرایط حیاتی اقتصادی بوده و عبارت است از برقراری نظم میان عوامل اساسی تهیه مایحتاج معیشتی انسان یعنی منابع اولیه، تولید، توزیع کار و درآمد اعضای جامعه؛ بطوری‌که نیازهای ضروری آنها تأمین شود و آنها از فقدان و یا حتی احتمال فقدان این ضروریات احساس خطر نکرده و آرامش و آسایش آنها سلب نشود. در همین راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم دولت را موظف به پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت، بیمه، تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی کرده است.^۱

علاوه بر تعاریفی که از امنیت اقتصادی مطرح شد، در ساده‌ترین تعاریف، امنیت مزبور به این معنا است که مردم در اموالشان امنیت داشته باشند و دولت با مدارا و رعایت عدل و انصاف و با توجه به دیگر اخلاق پسندیده اسلامی، از آنان مالیات و زکات أخذ نماید. همچنین، احتکار کالا (به ویژه کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم) در میان نبوده و نیز در خرید و فروش‌ها قیمت‌ها متعادل باشد.

۱. ر.ک.: اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. امنیت اقتصادی در آیات

۲-۱. تعامل امنیت با استغنای مادی و اقتصادی

از منظر آموزه‌های قرآنی، انسان موجودی برگزیده است^۱ و بر دیگر موجودات برتری دارد.^۲ از همین منظر، استغنای مادی و اقتصادی انسان در حیات مادی و دنیایی و در مسیر تعالی الهی امری ممدوح به شمار آمده و لذا در همین راستا آیات الهی اشعار دارد که انسان، حق بهره‌برداری از جهان را داشته و آفرینش در اختیار اوست^۳ و هدف آفرینش وی پرستش خدا و رشد و تعالی در مسیر بی‌نهایت الی‌الله است.^۴

۲-۲. عوامل ایجاد و تقویت امنیت اقتصادی

۲-۲-۱. تقویت و تحکیم ایمان و امنیت معنوی

در قرآن کریم، ایمان یا امنیت معنوی به عنوان ضامن تأمین کلیه وجوه امنیت و از جمله امنیت اقتصادی و زیربنای آنها به شمار آمده است. به عنوان نمونه در قرآن شهری که برخوردار از نعمت ایمان باشد، به عنوان سرزمین امن معرفی شده و بنا به آیه «و ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه یأتیها رزقها رغداً من کل مکان»^۵، خداوند به عنوان الگو و نمونه، قریه‌ای با اهالی مؤمن را مثل می‌زند که امن، آرام و مطمئن بوده و همواره روزی‌اش به طور وافر از هر مکانی فرا رسیده است. از سوی دیگر، یکی از مصادیق مهم واژه‌هایی مانند «نعمت»، «نعیم» و «برکات» در قرآن، امنیت دانسته شده که نصیب مؤمنین و ایمان آورندگان می‌شود. به عنوان نمونه علامه طباطبایی در بحث

۱. «شاکراً لانعمه اجتبیهه، و هدیه» (نحل، ۱۲۱): «[و] نعمت‌های او را شکرگزار بود. [خدا] او را برگزید و به راهی راست هدایتش کرد».

۲. «و فضلنا هم علی کثیر ممن خلقتنا تفضیلاً» (اسرا، ۷۰): «و ما ایشان را بر بسیاری از مخلوقات مان برتری بخشیدیم».

۳. «و سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض جمیعاً» (جاثیه، ۱۳): «تمامی آنچه در آسمان‌ها و زمین است، مستخر ایشان گردانیدیم».

۴. «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (ذاریات، ۵۶): «جن و انس را تنها برای عبادت خلق کردیم».

۵. نحل، ۱۱۲.

از آیه «و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات»^۱ به این معنا اشاره کرده و می‌نویسد: «برکات به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقدان آن‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۸، ص ۲۵۲).

همچنین این مفسر در تفسیر آیه «و ذکرو نعمه الله علیکم اذا کتتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا و کتتم علی شفا حفرة من النار فانذکم منها»^۲ ضمن بیان وضع ناامنی حاکم بر جامعه جاهلی پیش از اسلام، منظور از نعمت را در آیه مذکور چنین برمی‌شمارد: «منظور از نعمت مواهب جمیله‌ای است که خدای تعالی در سایه اسلام به آنان داده، و حال و روز بعد از اسلام آن‌ها را نسبت به قبل از اسلام بهبود بخشید. در دوران جاهلیت امنیت، سلامتی، ثروت و صفای دل نسبت به یکدیگر و پاکی اعمالی نداشتند، و در سایه اسلام صاحب همه این‌ها شدند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۵، ص ۳۷۶).

علامه در تفسیر کلمه «نعیم» در آیه هشتم سوره تکوین: «ثم لتسئلن عن النعیم» آورده است: «و نیز در «مجمع البیان» است که بعضی گفته‌اند: نعیم عبارت است از امنیت و صحت (منقول از مجاهد و عبدالله بن مسعود) و این معنا از امام ابوجعفر و ابی‌عبدالله نیز روایت شده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲۰، ص ۶۰۷).

در قرآن بنا به آیه ۱۱۲ سوره نحل، شهری که برخوردار از امنیت باشد به عنوان سرزمین ایمانی و مثالی معرفی شده است. در این آیه خداوند از سویی، اطمینان و امنیت جامع و توسعه رزق فراوان و ارزان را از دستاوردهای ایمان و از مشخصات «قریه امن» به شمار می‌آورد و از سوی دیگر گرسنگی و ناامنی و خوف را نتیجه کفران و ناسپاسی نعمت محسوب می‌کند و می‌فرماید:

۱. «و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم» (اعراف، ۹۶).
 ۲. «و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید» (آل عمران، ۱۰۳).

«و خدا شهری را مثل زده است [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید پس [ساکنانش] نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به [سزای] آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاندید»^۱.
 علامه طباطبایی درباره این آیه در تفسیر خود می‌نویسد:

«معنای این آیه این است که خدای متعال مثلی زده است و آن مثل قریه‌ای است که اهلش از هر شری که جان و عرض و مالشان را تهدید کند در امنیت بودند، و برای روزی، حاجت به پیمودن کوه و دشتی نداشتند، رزق پاک و بسیاری از هر سو به طرف ایشان سرازیر بود، اهل این قریه به این نعمت‌های الهی کفران کردند و شکر آن را بجا نیاوردند، خدا هم به اندکی از نعمت و عذاب خود گرفتارشان کرد، و آن نعمت اندک، گرسنگی و ترس بود که چون لباس بر آنان احاطه کرد، و این در قبال کفرانی بود که به طور مستمر به نعمت‌های خدا می‌ورزیدند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۲، ص ۵۲۲-۵۲۳).

همچنین مفسر کبیر در تفسیر خود، در تبیین واژه‌های «حیات حسنه» و «حیات طیبه»، یکی از ویژگی‌های اصلی این نوع زندگی را بهره‌مندی از نعمت امنیت ذکر می‌کند، هم‌چنان که یکی از صفات اصلی «حیات سیئه» و غیر توحیدی، زندگی در ناامنی است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۰، ص ۲۱۰؛ ج ۷، ص ۴۶۵). بنابراین، نظام سیاسی در راستای دستیابی به حیات طیبه و حسنه و دوری از حیات سیئه، می‌بایستی به دنبال تأمین امنیت آن در کلیه ابعاد آن باشد. در قرآن، «اولوالالباب» به امنیت و سلامتی جاودانی بشارت داده شده‌اند، به تعبیر علامه: «جمله سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار»، حکایت کلام ملائکه است که «اولوالالباب» را به امنیت و سلامتی جاودانی، و سرانجام نیک نوید می‌دهند، سرانجامی که هرگز دستخوش زشتی و مذمت نگردد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۱، ص ۴۷۵). از سوی دیگر بنا به آیه: «ادخلوها بسلام آمین» (حجر، ۴۵)، در روز سرنوشت وقتی

۱. «و ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه یاتیها و رزقها رغداً من کل مکان» (نحل، ۱۱۲).

انسان‌های صالح در جنت گام می‌نهند، به آن‌ها نوید امنیت و سلامت داده می‌شود و به آن‌ها گفته می‌شود که به این باغ‌ها با سلامت و امنیت وارد شوید.

۲-۲-۲. رعایت عدل، انصاف، میزان و نفی هرگونه ظلم و تعدی

در قرآن موضوعاتی مانند نفی هرگونه تعدی، تجاوز به حقوق فردی و عمومی فرد و افراد و لزوم رعایت عدل و انصاف در تعاملات گسترده اجتماعی و به کرات مطرح شده است که این امر ناظر بر اهمیت تعامل عدالت با امنیت در کلیه ابعاد آن می‌باشد. همچنان‌که ستم و ستمگری در قرآن نیز متعارض با ایمان و امنیت و مایه نابودی و هلاکت اقوام ستمگر و بی‌ایمان به حساب آمده، قرآن در بسیاری آیات به این مسئله اشاره دارد، از جمله می‌فرماید:

«و قطعاً نسل‌های پیش از شما را زمانی که ستم کردند، به هلاکت رساندیم، و

پیامبران‌شان دلائل آشکار برایشان آوردند، [ولی] بر آن نبودند که ایمان بیاورند و ما

این‌گونه مردم بزهکار را جزا می‌دهیم».^۱

«این آبادی‌ها را نابود کردیم، چون ظلم کردند».^۲

باید اذعان کرد که در منابع اسلامی عدالت به معنای قرار دادن هر چیز در جای خویش و حق را به حق‌دار رساندن و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق‌ها است.^۳ بدیهی است که قرار گرفتن هر چیز در جای بایسته خود و استیفای مداوم حقوق، باعث تعادل، ثبات، راست ایستادن و استقامت و پایداری و امنیت در کلیه ابعاد آن بویژه در حوزه اقتصادی می‌شود. بدین ترتیب اساس حکم و حکمیت و حکومت و حتی امنیت در قرآن، ایجاد قسط و عدل در جامعه است. همچنان‌که خداوند به عدالت‌پیشگی فرمان می‌دهد^۴: «ما رسولان را با براهین روشن به سوی انسان‌ها فرستادیم و به

۱. «و لقد اهلکنا القرون من قبلکم لما ظلموا و جائتہم رسلہم بالبیات و ما کانوا لیؤمنوا کذلک نجزی القوم المجرمین» (یونس، ۱۳).

۲. «و تلک القری اهلکنا ہم لما ظلموا» (کہف، ۵۱).

۳. «وضع کل الشی فی موضعه و اعطاء کل ذیحق حقہ».

۴. «ان الله یامر بالعدل» (نحل، ۹۰).

آن‌ها کتاب و میزان دادیم تا عدالت را برپا سازند»^۱ (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲، ص ۵۲-۵۱). شایان ذکر است که رعایت توزین عادلانه و پیمانانه عدل در کلیه اشکال دادوستدها تجاری و عدم کم‌فروشی و یا زیاده‌خوری، از مواردی است که می‌توان آن را از سازوکارهای قرآن برای تأمین امنیت اقتصادی به شمار آورد. قرآن حداقل در دو سوره با اشاره به ضرورت توزین با قسطاس مستقیم به این امر اشاره می‌کند:

«و اوفواالکيل اذا کلتم و زنوا بالقسطاس المستقیم ذلک خیرٌ و احسن تأویلاً»^۲

«و اوفوا الکیل و لا تکونوا من المخسرین و زنوا بالقسطاس المستقیم»^۳.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه اول، این‌گونه مبادلات تجاری مورد توصیه قرآن را ضامن امنیت در کلیه ابعاد می‌داند و می‌نویسد:

«کلمه قسطاس به معنای ترازو و میزان است ... قسطاس مستقیم به معنای ترازوی عدل است که هرگز در وزن خیانت نمی‌کند ... اینکه می‌فرماید: ایفاء کیل و وزن و دادن آن به قسطاس مستقیم بهتر است، برای این است که اولاً کم‌فروشی یک نوع دزدی ناجوان‌مردانه بوده و ثانیاً وثوق و اطمینان را بهتر جلب می‌کند.

«و احسن تأویلاً» بودن این دو عمل از این جهت است که اگر مردم این دو وظیفه را عمل کنند، کم‌فروشنند و زاید نخرند، رشد و استقامت در تقدیر معیشت را رعایت کرده‌اند، چون قوام معیشت مردم در استفاده از اجناس مورد حاجت بر دو اصل اساسی است، یکی به دست آوردن جنس مرغوب و سالم و بدرد بخور و دیگری مبادله مقدار زائد بر حاجت با اجناس دیگر مورد احتیاج است. آری هر کس در زندگی خود حساب و اندازه‌گیری دارد که چه چیزهایی و از هر جنسی

۱. «و لقد ارسلنا رسلنا بالبیات و انزالنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید، ۲۵). همچنین ر.ک: شوری، ۱۵؛ مائده، ۸؛ نساء، ۵۸.

۲. «و چون پیمانانه می‌کنید، پیمانانه را تمام دهید، و با ترازوی درست بسنجید که این بهتر و خوش فرجام‌تر است» (اسراء، ۳۵).

۳. «پیمانانه را تمام دهید و از کم‌فروشان مباشید و با ترازوی درست بسنجید» (شعراء، ۱۸۱، ۱۸۲).

چه مقدار نیاز داشته و چه چیزهایی بیش از نیاز او است. چه مقدار از آن را باید بفروشد و با قیمت آن اجناس دیگر مورد حاجت خود را تحصیل کند و اگر پای کم‌فروشی به میان آید، حساب زندگی بشر از هر دو طرف اختلاف پیدا کرده و امنیت عمومی از میان می‌رود.

اما اگر کیل و وزن به طور عادلانه جریان یابد، زندگی و اقتصادشان رشد و استقامت یافته و هر کس هرچه را احتیاج دارد، همان را به مقدار نیازش به دست می‌آورد، علاوه بر آن، نسبت به همه سوداگران وثوق پیدا کرده و امنیت عمومی برقرار می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ص ۱۲۵).

۳-۲-۲. حرمت و مصونیت اموال و مالکیت خصوصی

قرآن در مبحث امنیت اموال افراد، ضمن محترم شمردن مالکیت خصوصی آنها، عدم تعدی به این اموال و مالکیت را از نشانه‌های مؤمنین می‌داند و می‌فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا لاتأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکنون تجارۃ عن تراض منکم»^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا نخورید، مگر آن که دادوستدی با تراضی یکدیگر، از شما [انجام گرفته] باشد».

۴-۲-۲. تشویق فرهنگ تولید، کار و تلاش مجدانه

باید اذعان کرد که دیانت اسلام یک مرام و شریعت آخرت‌نگر که غافل از زندگی و معاش دنیایی باشد، نیست؛ بلکه برای استقرار باورهای دینی و کسب طمأنینه و آرامش معنوی و مادی، معتقد به شکوفاسازی اقتصاد و جامعه است. اسلام در نگرش خود، هم به تولید، و هم به توزیع سرمایه و نیز دانش و فن‌آوری و نیز مهار سرمایه‌های کلان جهت حفظ امنیت اقتصادی و ثبات سیاسی اجتماعی توجه ویژه دارد. تولید محور اصلی رشد و امنیت اقتصادی است. در این زمینه

۱. نساء، ۲۹.

هم آموزه‌ها و منابع اصیل اسلامی و هم سیره ائمه معصومین و پیامبر گرامی (ص) دال بر این مدعا است. قرآن دستور صریح می‌دهد که برای به دست آوردن روزی، تلاشی سرسخت باید در پیش گرفت:

«هو الذی جعل لکم الارض ذلولاً فامشوا فی مناكبها و کلوا من رزقه»^۱

«او کسی است که زمین را برای شما رام گردانید، پس در فراخنای آن رهسپار

شوید و از روزی خدا بخورید».

۲-۵. پرداخت خمس، زکات و مقابله با تضادهای فاحش طبقاتی

خمس و زکات نیز از جمله راهکارهای نظام‌بخشی به سامانه اقتصادی جامعه اسلامی و ایجاد و تثبیت امنیت آن به ویژه در بعد اقتصادی است. این دو راهکار از مالیات‌های ثابت اسلامی است که حکومت اسلامی، بخش مهمی از بودجه خود را از این منابع مهم مالیاتی تأمین کرده و در مواردی که در فقه بیان شده است، هزینه می‌کند. خمس و زکات در واقع از ابزارهای تعدیل ثروت و جلوگیری از تمرکز آن در بین فرد یا اقشاری از اجتماع بوده و در حقیقت برای رفع نیازمندی‌های طبقات ضعیف جامعه و از سوی دیگر به منظور تحدید و کنترل ثروت ثروتمندان صورت می‌گیرد. بدیهی است انگیزه بسیاری از شورش‌ها و اعتراضات اجتماعی، محرومیت‌ها و شکاف‌هایی است که در بین آحادی از جامعه وجود دارد و مبرهن است با اعمال درست سازوکارهای اقتصاد اسلامی می‌توان این شکاف‌ها را کنترل و این محرومیت‌ها را کاهش داد و از بروز تضادهای فاحش طبقاتی جلوگیری کرد. البته اسلام به تساوی مطلق میان افراد معتقد نیست و وجود تفاوت‌ها بر مبنای استحقاق‌های متفاوت افراد را قبول دارد، کما اینکه عدالت را در یکی از معانی آن «اعطاء کل ذیحق حقه» معنی می‌کند، یعنی به هر کس مطابق استحقاقش، استیفای حقوق صورت پذیرد. اسلام در حقیقت این عدم تساوی مطلق را مایه پایداری و ثبات اجتماع به شمار می‌آورد. قرآن کریم نیز در تفاوت فضیلت و معیشت افراد چنین اشاره می‌کند:

۱. ملک، ۱۵.

«نحن قسمنا بينهم معيشتهم في الحياة الدنيا ورفعنا بعضهم فوق بعض درجات لينخذ بعضهم بعضاً سخرياً»^۱

«ما [وسایل] معاش آنان را در زندگی دنیا میان‌شان تقسیم کرده‌ایم و برخی از آنها را از [نظر] درجات، بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم، تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند».

بدین ترتیب می‌توان استنباط کرد که یکی از راهکارهای ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی، تقسیم مراتب و بهره‌مندی‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و غیره بر مبنای استحقاق و قابلیت افراد است.^۲ با این حال اسلام طبقات فرودست اقتصادی و اجتماعی را نیز که ممکن است از لحاظ قابلیت و استحقاق در مراتب فرادستی نباشند، به حال خود رها نمی‌کند و سعی می‌نماید با ابزارهای اقتصادی مهمی مانند خمس و زکات، انفاق و غیره از فاصله طبقاتی آنها با طبقات بهره‌مندتر بکاهد و نوعی نظام تأمین اجتماعی را برای آنها لحاظ کند. در همین راستا قرآن مجید مصارف زکات و خمس را در دو سوره توبه و انفال چنین بیان می‌کند:

«همانا صدقات (زکات‌ها) برای فقیران، مسکینان، عاملان زکات، دلجویی‌شدگان، بردگان، بدهکاران در راه خدا و در راه مانده است، به عنوان واجب از ناحیه خدا و خداوند دانا و حکیم است».^۳

«بدانید هر آنچه غنیمت و فایده بردید، خمس آن برای خدا، رسول، ذی‌القربی،

۱. زخرف، ۳۲.

۲. قرآن به هیچ وجه فرادستی و برتری عادلانه اقتصادی، اجتماعی و ... فرد یا افراد را نسبت به سایرین که به دست آمده است را نفی نمی‌کند و جایگاه و منزلت هر کس را مطابق تلاش و اکتساب وی به شمار می‌آورد و بدین وسیله انگیزه اعتراض و شورش‌های محتمل را نسبت به این فرادستی‌های مستحقانه خاموش می‌کند. مثلاً در سوره نساء آیه ۳۲ می‌فرماید: «از آنچه خداوند به وسیله آن برخی از شما را به برخی برتری داده است، آرزو نکنید، برای مردان از آنچه به دست آوردید، سهمی و برای زنان از آنچه سلب کرده‌اند، سهمی است و شما باید از فضل الهی طلب کنید، همانا خداوند به هر چیزی داناست».

۳. توبه، ۶۰.

یتیمان، مسکینان و در راه مانده است...»^۱

زکات و خمس، هر دو برای تأمین نیازمندان هزینه می‌شوند، با این تفاوت که مصرف خمس، نیازمندان بنی‌هاشم و زکات نیازمندان غیربنی‌هاشم را شامل می‌شود، نیز هر دو، منبع مالی در اختیار حاکم اسلامی هستند و به وسیله حاکم دریافت می‌شوند، با این تفاوت که درباره زکات، موارد مصرف معینی قرارداد شده و در تغییر آن موارد دست حاکم کم‌تر باز است؛ ولی درباره خمس، دست حاکم برای تعیین موارد مصرف بیشتر باز می‌باشد. خمس همچون زکات، برای تأمین مالی درماندگان، وسیله‌ای برای پاک کردن افراد و اموال آنان، برای حفظ مال از ضایع شدن، وسیله رشد اموال خمس‌دهنده و بالاخره مهم‌ترین حکمتی که برای خمس در روایات مطرح شده، وجود منبع درآمد مهمی برای دولت است که عموماً برای افزایش انتظام و امنیت اقتصادی جامعه و رفع محرومیت‌ها استفاده می‌شود.

۲-۲-۶. استقلال، نفی سلطه و خودکفایی اقتصادی

یکی دیگر از سازوکارهای تأمین امنیت اقتصادی، دستیابی به استقلال اقتصادی است که می‌توان آن را از قاعده و آیه «نفی سبیل» استنتاج کرد، آنجا که خداوند متعال در آیه ۱۴۱ سوره نساء می‌فرماید: «خداوند هرگز برای کافران بر مؤمنین راه [تسلطی] قرار نداده است»^۲، بدیهی است از جمله راه‌های سلطه کفار بر مؤمنین، سلطه اقتصادی می‌باشد. متأسفانه در این روزگار، سلطه اقتصادی بیگانگان تا حد بسیاری بر مسلمانان تحقق یافته و این واقعیت تلخ به دلیل عمل نکردن مسلمانان به مقتضای ایمان است. مطابق آیه «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة»^۳، مؤمنان وظیفه دارند، تلاش کنند و خود را از وابستگی‌ها - و از جمله وابستگی اقتصادی - رهایی دهند.

گرچه سیاق آیه نشان می‌دهد که درباره جنگ بوده و طبعاً مهم‌ترین نیرو برای مقابله با دشمن

۱. انفال، ۴۱.

۲. «و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً» (نساء، ۱۴۱).

۳. انفال، ۶۰.

نیروی نظامی است، اما کلمه «من قوه» هر نیرویی را شامل می‌شود. نیروی اقتصادی برای رویارویی با دشمن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به خصوص در جنگ‌های امروز که قدرت اقتصادی یکی از دو طرف جنگ در سرنوشت آن نقش بسزایی دارد. دستور فراهم کردن نیرو برای مقابله با دشمن، تا آنجا که دشمن را به هراس افکند، ایجاب می‌کند که در هر زمینه و از جمله اقتصاد، مسلمانان مستقل باشند، زیرا وابستگی اقتصادی به بیگانگان، امکان تهیه قدرت اقتصادی که آنان را به وحشت افکند، فراهم نمی‌کند. دشمنان اسلام، با حفظ برتری اقتصادی خود، اجازه نخواهند داد که مسلمانان وابسته، از آنان قوی‌تر شوند. بنابراین، باید استقلال اقتصادی را به دست آورد، تا توان لازم برای مقابله با توطئه‌های دشمنان و از جمله امکان اخلال امنیتی آن‌ها در کلیه عرصه‌ها و از جمله اقتصادی فراهم گردد.^۱

علاوه بر استقلال اقتصادی، یکی دیگر از پایه‌های امنیت اقتصادی و سازوکارهای تأمین آن، خودکفایی و اقتدار اقتصادی است. مقصود از خودکفایی این است که جامعه بتواند نیازمندی‌های خود را در حد بالایی از رفاه تولید کند و ناگزیر از وارد کردن کالا از خارج نباشد. در خودکفایی، توانمندی و اقتدار نهفته، جامعه خودکفا، روی پای خود ایستاده است. مصداقی از این خودکفایی مقتدرانه در بیان قرآن است که درباره مؤمنان به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:

«كزَرع اِخْرَج شَطْأهُ فَازْرَهُ فَاسْتَعْلَظْ فَاسْتَوَى عَلٰى سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيْظَ بِهِمُ الْكٰفِرَ»:^۲

«[و کسانی که با پیامبرند] چون کشته‌ای هستند که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا سبتر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد. تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم اندازد».

در این آیه شریفه رشد جامعه اسلامی به رشد گیاه تشبیه شده است، یعنی همان‌گونه که گیاه در ابتدا دستخوش بادهای و طوفان‌ها قرار گرفته و خم و راست می‌شود، جامعه نوپای مؤمنان نیز در

۱. رک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱: ص ۲۰۲.

۲. فتح، ۲۹.

ابتدا دستخوش حوادثی شده، اما به تدریج، شاخ و بال‌های آن، در تقویت او مؤثر واقع می‌شوند، تا آنکه درشت و قوی می‌شود و بر ساقه خود تکیه می‌کند، این جامعه آن قدر قدرتمند می‌شود که بنیانگذار خود را به شگفتی می‌افکند، خداوند آنان را این گونه قوت بخشیده تا بدین وسیله کفار را خشمگین کند.

مفاد این آیه، قدرت یافتن مسلمانان و رسیدن آنان به شکوه و عظمتی است که دشمنان اسلام تاب تحمل آن را ندارند، طبعاً، باید این اقتدار از هر جهت باشد و تمام جوانب اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و غیره را دربر گیرد تا امنیت نیز در کلیه ابعاد جهت جامعه اسلامی و آحاد آن تأمین شود.

۲-۲-۷. اعتدال و میانه‌روی اقتصادی

قرآن مجید در راستای تبیین سیاست اقتصادی معطوف به ایجاد امنیت و آرامش لازم، با توصیه به اعتدال و میانه‌روی، هم بخل‌ورزی و هم گشاده‌دستی مفرط را ملامت کرده و در نهایت گشایش روزی و یا تنگدستی را به دست خدا می‌داند و می‌فرماید:

«و لا تجعل يدك مغلولة الي عنقك و لا تبسطها كل البسط فتقعد ملوماً محسوراً. ان

رَبِّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ»^۱

«و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی منما تا ملامت شده

و حسرت زده بر جای مانی. بی‌گمان پرودگار تو برای هر که بخواهد روزی را

گشاده و یا تنگ می‌گرداند».

۲-۲-۸. انفاق و پرداخت قرض‌الحسنه

در آموزه‌های قرآنی، دو راهکار مهم ایجاد و تحکیم امنیت اقتصادی، پرداخت انفاق و قرض‌الحسنه است که دو بدیل مناسب برای جایگزینی پدیده شوم ربا می‌باشند. انفاق و قرض‌الحسنه دو راهکار بسیار خداپسندانه در قرآن هستند که مکرر در آیات الهی ذکر شده‌اند، به‌طور

۱. اسراء، ۲۹، ۳۰.

مثال توصیه به پرداخت قرض الحسنه، شش مرتبه، آن هم با عبارت: «قرضاً حسناً» ذکر شده است.^۱

۳-۲. عوامل مخل امنیت اقتصادی

در قرآن، مسائلی مانند بی‌ایمانی و کفرورزی به خداوند متعال، پذیرش ولایت طاغوت، کفران و ناشکری نعمت، ربا، ظلم و بی‌عدالتی، رفاه‌زدگی و اسراف و غیره به عنوان عوامل فساد و اخلال و امنیت اقتصادی معرفی شده است.

۱-۳-۲. بی‌ایمانی و کفرورزی به خداوند

از آنجا که زیربنا و مایه اصلی کلیه ابعاد امنیت، در امنیت معنوی یا ایمان به قادر متعال نهفته است، بی‌ایمانی و کفرورزی به خداوند نیز ذایل‌کننده کلیه ابعاد امنیت و از جمله امنیت اقتصادی خواهد بود. در آموزه‌های قرآنی، برای کافران بی‌ایمان که مَهر بر قلب‌های آنها خورده و بر گوش‌ها و چشم‌هایشان پرده کشیده شده، عذابی عظیم در نظر گرفته شده است^۲ و کافران با اموات مقایسه شده‌اند^۳ و ارتداد و کفر آنها مایه مرگ معنوی و نابودی اعمال آنها در دنیا و آخرت و خلود ابدی ایشان در آتش به شمار آمده است.^۴ خدای متعال به کرات، کافران را به خاطر کفرشان لعنت می‌نماید.^۵ بسیار بدیهی است بر مبنای این آیات، هرگونه امنیتی برای کافران چه در دنیا و چه در آخرت، و چه از حیث مادی و یا معنوی، محال و غیرقابل تصور خواهد بود.

۲-۳-۲. پذیرش ولایت طاغوتیان

قرآن تبعات ولایت طاغوت را چنین بیان می‌کند:

«و اذا تولی سعى فی الارض لیفسد فیها یهلک الحرث و النسل و الله لا یحب الفساد»^۶

۱. رک: روحانی، ۱۳۶۸: ج ۳، ص ۱۱۵۷.

۲. بقره، ۶.

۳. بقره، ۲۸.

۴. بقره، ۲۱۷.

۵. بقره، ۸۸-۸۹.

۶. بقره، ۲۰۵.

«و چون به ولایت و حکومت رسد، کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباهکاری را دوست ندارد».

بدین ترتیب، برخلاف ولایت مؤمنان که در تمام ابعاد، امنیت‌آور است، ولایت طاغوت و طاغوتیان مایه افساد انسان و طبیعت و ایجاد ناامنی در هر دو محیط انسانی و طبیعی می‌باشد.

۲-۳-۳. پدیده شوم ربا

یکی از عوامل منفور که از دیدگاه قرآن مایه ناامنی اقتصادی، ایجاد شکاف طبقاتی و منازعات اجتماعی می‌شود، پدیده ربا است. در آیه ۲۷۶ سوره بقره در این باره آمده است:

«يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ»:

«خدا از [برکت] ربا می‌کاهد و بر صدقات می‌افزاید و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست ندارد».

مرحوم علامه طباطبایی درباره ربا و تفسیر آیه مذکور و نقش این پدیده شوم در ایجاد ناامنی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی چنین می‌گوید:

«... آثار سویی که بر رباخواری بار می‌شود درست مقابل آثار نیکی است که از صدقه و انفاق به دست می‌آید. آن، اختلاف طبقاتی و دشمنی می‌آورد، و این بر رحمت و محبت می‌افزاید. آن خون مسکینان را به شیشه می‌کند و این باعث قوام زندگی محتاجان و مسکینان می‌شود. آن اختلاف در نظام و ناامنی می‌آورد و این انتظام در امور و امنیت. خدای سبحان در این آیات در امر رباخواری شدتی به کار برده که درباره هیچ یک از فروع دین این شدت را به کار نبرده است، مگر یک مورد که سخت‌گیری در آن نظیر سخت‌گیری در امر ربا است، اینکه: مسلمانان، دشمنان دین را بر خود حاکم سازند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۶۲۸).

آیه و تفسیر فوق، نشانگر آن است که خدای متعال در مقابل ذم شدید ربا، انفاق را ستایش و توصیه فرموده و به همین خاطر ده‌ها آیه از قرآن را به این صفت ممدوح اختصاص داده و آن را مایه آرامش و ایمنی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و غیره قرار داده است. یکی از مثال‌ها و شواهد

عالی قرآنی در این زمینه آیه ۲۶۱ و ۲۶۲ سوره بقره است که خداوند ضمن آنکه صدقه و انفاق را مایه افزایش روزی و گشایش وسیع اقتصادی می‌داند،^۱ به انفاق‌کنندگان وعده امنیت و عدم خوف و اندوه ارزانی می‌دارد:

«الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله ثم لایتبعون ما انفقوا مناً و لا اذی لهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون»^۲
 «کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و سپس در پی آنچه انفاق کرده‌اند، منت و آزاری روا نمی‌دارند، پاداش آنان بر ایشان نزد پروردگار [محفوظ] است و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی‌شوند».

خداوند در آیه ۱۸ سوره حدید، صدقه‌دهندگان را به کسانی که به خدا قرض‌الحسنه داده‌اند تشبیه کرده و به آنها پاداش مضاعف و اجری نیکو وعده داده است.^۳ همچنان که در آیات دیگر در کنار توصیه به جهاد، اقامه نماز، دادن زکات و غیره پرداخت قرض‌الحسنه را که همان داد و وام به خدا است، سفارش می‌فرماید،^۴ و این نشانگر آن است که پرداخت قرض‌الحسنه نیز در کنار انفاق و در تقابل با پدیده شوم ربا، نقش انکارناپذیری در انتظام بخشی به اقتصاد جامعه و افزایش امنیت آن دارا می‌باشد.

آیات الهی و از جمله این آیه‌ها نشان می‌دهد که اسلام می‌کوشد با حفظ آزادی اقتصادی و مالکیت خصوصی و قرار دادن آن در چهارچوبه‌ای از ارزش‌ها و مقررات و با استفاده از ابزارهای معین، جلوی شکاف‌های طبقاتی را بگیرد و سطح زندگی فقرا را بگونه‌ای بالا بیاورد که میان آنان و ثروتمندان تفاوت‌های فاحش غیرقابل تحملی به وجود نیاید. تفاوت‌هایی که منجر به عدم تعادل، شورش‌ها، بی‌ثباتی و ناامنی‌های اجتماعی سیاسی می‌شود.

۱. مثل [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد. خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند و خداوند گشایش‌گر داناست (بقره، ۲۶۱).

۲. بقره، ۲۶۲.

۳. «ان المصدقین و المصدقات و اقرضوا الله قرضاً حسناً یضاعف لهم و لهم اجر کریم» (حدید، ۱۸).

۴. «و اقیموا الصلوة و اتوا الزکاة و اقرضوا الله قرضاً حسناً» (مزمّل، ۲۰).

۲-۳-۴. کفران و ناشکری نعمت

در آموزه‌های قرآنی، بالاترین نعمت بشر، عبودیت وی در پیشگاه خداوند و یکتاپرستی اوست، به همین دلیل بالاترین سپاس انسان‌ها می‌بایستی پرستش الهی و ایمان به وحدانیت قادر متعال باشد.

بنابر آیات الهی اگر انسان‌ها موحد و مؤمن باشند، کلیه وجوه امنیت نیز برای آنها تحصیل می‌شود، همچنان که آیات الهی نتیجه بلافصل شکرگزاری به درگاه الهی را افزایش قطعی نعمات می‌دانند و بدیهی است که وفور نعمت، معنایی جز تامین امنیت اقتصادی ندارد. قرآن مجید در این راستا می‌فرماید:

«آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد، اگر واقعاً سپاسگزاری کنید [نعمت] شما را

افزون خواهم کرد، و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود.»^۱

از منظر قرآنی، شکرگزاری ممدوح است و به همین دلیل خداوند، شکور نامیده شده است.^۲ ضمن آنکه محصول این شکر و سپاسگزاری به خود انسان برمی‌گردد،^۳ هرچند که خداوند اذعان می‌فرماید که بندگان شکور کم‌شمار، و بیشتر مردم ناسپاس می‌باشند.^۴ همچنین از دیدگاه قرآن، خداوند متعال در کنار ارزانی داشتن ارزاق و روزی بندگان و امر به بهره‌گیری از آنها، به بشر فرمان سپاسگزاری نسبت به خویش صادر نموده است^۵ و از آدمیان، یادآوری ذکر خویش و شکرگزاری و عدم کفرورزی را درخواست کرده،^۶ و تقوای پیشگی را ملازم با شکر خود به شمار آورده است^۷ و شرط نموده است که اگر بندگان الهی شکرگزار باشند و ایمان بیاورند، آنها را

۱. ابراهیم، ۷.

۲. رک: «ان ربنا لغفور شکور» (فاطر، ۳۴).

۳. «من شکر فانما یشکر لنفسه» (نمل، ۴۰).

۴. «قلیل من عبادی الشکور» (سبا، ۱۳)؛ «و لکن اکثر الناس لا یشکرون» (غافر، ۶۱).

۵. «کلوا من رزق ربکم و اشکروا له» (سبا، ۱۵).

۶. «فاذکرونی اذکرکم و اشکروا لی و لا تکفرون» (بقره، ۱۵۲).

۷. «فاتقوا الله لعلکم تشکرون» (آل عمران، ۱۲۳).

عذاب ننماید.^۱ خداوند متعال حتی به مؤمنین نیز یادآور شده است که اگر تنها خدا را می‌پرستند، از نعمت‌های پاکیزه‌ای که روزی آنها کرده است، بخورند و در قبال این بهره‌گیری، شاکر این نعمت باشند.^۲ بنابر این آیه، استفاده از مواهب و ارزاق خدادادی، با شکر این نعمت و عبودیت صرف الهی متناظر بوده و بسیار مسلم است که کفران نعمت، وجود باری تعالی و مواهب اعطایی وی، منجر به کفرورزی و اخلال به امنیت همه جانبه آدمی و از جمله امنیت اقتصادی خواهد شد. از سوی دیگر، خداوند متعال در آیه ۲۶ سوره انفال در فرازی زیبا، طی خطابی به مستضعفین، از آنها می‌خواهد در قبال از بین بردن خوفشان، و ایمنی و یاری آنها و تامین معیشت‌شان از سوی خداوند، وی را شاکر باشند، در این آیه آمده است:

«و به یاد آورید هنگامی را که شما در زمین، گروهی اندک و مستضعف بودید. می‌ترسیدید مردم شما را برابیند، پس [خدا] شما را پناه داد و شما را به یاری خود نیرومند گردانید و از چیزهای پاک به شما روزی داد، باشد که سپاسگزاری کنید».

در این آیه خداوند متعال، تناظر و تناسب استواری میان امنیت همه جانبه و از جمله امنیت اقتصادی با مقوله شکرگزاری نعمت و عبودیت خویش برقرار نموده است و بویژه از این آیه می‌توان به خوبی استفاده کرد، همانطور که شکرگزاری نعمت وجود باری تعالی و سایر مواهب و نعمت و عطایای مادی مادی و معنوی وی منجر به ایجاد و تحکیم امنیت همه جانبه و ایمنی اقتصادی فرد و جامعه می‌گردد، به همین ترتیب نیز کفران نعمت هم - که در رأس آن کفرورزی به عبودیت الهی است - می‌تواند به زایل شدن کلیه ابعاد امنیت و از جمله امنیت اقتصادی بیانجامد.

۲-۳-۵. رفاه‌زدگی و اسراف

باید افزود که نظام اقتصادی اسلام، تنها درصدد رفع نیازهای ضروری بشر و ایمنی آن نیست و با تأمین آنها کار خود را تمام شده نمی‌داند، بلکه درصدد تأمین رفاه بشر است. خداوند نعمت‌های

۱. «ما يفعل الله بعذابکم ان شکرتم و امتتم و کان الله شاکراً علیما» (نساء، ۱۴۷).

۲. «یا ایها الذین آمنوا کلووا من طیبات ما رزقنکم و اشکروا لله ان کنتم اياه تعبدون» (بقره، ۱۷۲).

بی‌شماری را در اختیار انسان قرار داده تا از آن‌ها بهره گیرد، همچنان که می‌فرماید:

«قل من حرمّ زینة الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الرزق»^۱

«بگو چه کسی زینت خداوند را برای بندگانش [از زمین] بیرون آورده و

روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟».

متأسفانه، بشر غالباً با کسب رفاه و راحت خویش از خدا غافل می‌شود و به اسارت دنیا و مظاهر آن درمی‌آید. با افزوده شدن نعمت، شکر او بیشتر نمی‌شود و رفاه‌زدگی و اسراف او معمولاً امنیت اقتصادی و اجتماعی سایر آحاد اجتماع را تهدید و مختل کرده و زیاده‌روی او به کاهش سطح درآمد و زندگی محرومین می‌انجامد. به تعبیر قرآن طبیعت انسان اینگونه است که با برخوردارگی از رفاه و راحت بسیار، سر به طغیان می‌گذارد. چند آیه نمونه در این باره در ادامه می‌آید:

«اگر خداوند روزی را بر بندگان گسترش می‌داد، در زمین سرکشی می‌کردند»^۲.

... «همانا انسان که خود را بی‌نیاز ببیند، طغیان می‌کند»^۳.

.. «هنگامی که بر انسان نعمتی دهیم، روی می‌گرداند»^۴.

بدین ترتیب، خداوند در استفاده از نعمت‌ها، حدی معین کرده است و در واقع یکی از سازوکارهای تأمین امنیت اقتصادی جامعه، مبارزه با طغیان‌ها و رفاه‌زدگی‌های مالی است. همچنین سازوکار دیگر رعایت عدم اسراف و تبذیر و پرداخت حقوق متعلق به اموال است. قرآن در نفی و مقابله با اسراف می‌فرماید:

«بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید، همانا خداوند مسرفان را دوست ندارد»^۵.

۱. اعراف، ۳۲.

۲. «و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض» (شورا، ۲۷).

۳. «ان الانسان لیطغی، ان رآه استغنی» (علق، ۶).

۴. «و اذا انعمنا علی الانسان اعرض و نأ بجانه» (اسراء، ۸۳).

۵. «كلوا و اشربوا و لا تسرفوا انه لا یحبّ المسرفین» (اعراف، ۳۱).

... «و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه‌مانده را [دستگیر کن] و ولخرجی و اسراف مکن؛ چرا که اسرافکاران برادران شیطان‌هایند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است».^۱

۳. امنیت اقتصادی در روایات

بدیهی است که دربارهٔ این مبحث روایات بیشماری از ائمه معصومین(ع) وارد شده باشد و با توجه به این که پیامبر(ص) و ائمه(ع)، همگی در واقع مفسران کلام وحی هستند، به برخی شواهد روایی در این زمینه اجمالاً اشاره می‌شود.

۳-۱. جایگاه والای امنیت در روایات

در سخنان معصومین(ع) و روایات آن بزرگواران مطالب فراوانی درباره اهمیت و ضرورت امنیت وارد شده است، به عنوان نمونه پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید:

«الأمْنُ و العافیةُ نعمتان مغبون فیها کثیرٌ من الناس» (تنکابنی، ۱۳۷۴: ص ۵۹).

«امنیت و سلامت دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن مغبونند».

در باب اهمیت و جایگاه برجسته امنیت در اسلام همین نکته کافی است که امنیت در روایت مشهوری در زمره یکی از دو نعمتی قرار گرفته است که انسان قدر آن را نمی‌داند، مگر اینکه به مصیبتی گرفتار شود، «النعمتان، مجهولتان الصحة و الامان»^۲، امنیت در این روایت شامل کلیه ابعاد این مفهوم می‌باشد.

۱. «وآت ذالقریٰ حقه و المسکین و ابن السبیل و لا تبدّر تبدیراً ان المبدّرین کانوا اخوان الشیاطین و کان الشیطان لربّه کفوراً» (اسراء، ۲۶، ۲۷).

۲. این روایت از پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز بدین صورت نقل شده است: «نعمتان مکفورتان: الامن و العافیة»: «دو نعمت است که مورد قدرناشناسی و ناسپاسی است، یکی نعمت امنیت و دومی نعمت سلامتی» (مجلسی، بی‌تا: ج ۷۸، حکمت ۱، ص ۱۷۰).

همچنین فرموده‌اند:

«مَنْ أَصْبَحَ مُعَافَى فِي بَدَنِهِ أَمِنَ فِي سِرْبِهِ عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَهُ فَكَأَنَّمَا خَيْرَتْ لَهُ الدُّنْيَا بِحِذَافِيرِهَا» (تنکابنی، ۱۳۷۴: ص ۵۹):

«هر که تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد، جهان سراسر مال اوست».

۲-۳. تعامل امنیت با اقتصاد، کفایت و رفاه در معیشت

در تایید این تعامل، امام صادق(ع) زندگی بدون امنیت را ناقص و ناگوار، و ناقص معیشت و حیات مادی شمرده است و در این راستا فرموده‌اند:

«خمس خصال من فقد منهن واحدة لم يزل ناقص العيش، زایل العقل، مشغول القلب: فالاولها صحة البدن و الثانية الامن و ...» (مجلسی، بی تا: ج ۷۸، ص ۱۷۱):

«پنج چیز است که حتی اگر یکی از آنها برقرار نباشد، زندگی ناقص و ناگوار است، عقل نابود می‌شود و مایه‌ی دل مشغولی می‌گردد: اولین این پنج چیز سلامتی و دومین آن امنیت است».

در روایتی در تحف العقول از امنیت در کنار عدالت و فراوانی به عنوان نیازهای مردم یاد شده است:

«ثلاثة اشياء يحتاج الناس طرّاً اليها: الامن، و العدل و الخصب (ابن شعبه، ۱۳۶۳: ص ۳۳۴):

«سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی».

امام علی(ع) در بیان نقش و اهمیت امنیت می‌فرماید: «رفاهیه العیش فی الامن» (آمدی، ۱۳۶۰: ج ۴، ص ۱۰۰): «رفاهیت زندگانی در امنیت است»، و «لانعمه أهناً من الامن» (آمدی، ۱۳۶۰: ج ۶، ص ۴۳۵): «یعنی هیچ نعمتی گواراتر از امنیت وجود ندارد».

تعامل امنیت با اقتصاد، کفایت و رفاه در معیشت از نمادهای عمده حکومت مهدوی در عصر ظهور است. همچنان که امام علی(ع) درباره‌ی ایمنی عصر ظهور و سرشاری آن دوره از امنیت و

فراوانی فرموده‌اند:

«لو قام قائمنا لانزلت السماء قطرها و لآخرجت الارض نباتها و ذهب الشحاء من قلوب العباد و اصطلحت السبع و البهائم حتی تمشی المرأة بین العراق و الشام ... لا یهیجها سبع و لا تخافه (ابن شعبه، ۱۳۶۳: ص ۱۱۰):

«اگر به تحقیق قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آنچنان که باید بیارد، می‌بارد و زمین نیز رستنی‌هایش را بیرون می‌دهد و کینه از دل‌های بندگان زدوده می‌شود و بین دد^۱ و دام آشتی برقرار می‌شود، به گونه‌ای که یک زن میان عراق و شام پیاده راه خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید ... نه ددی او را آزار دهد و نه بترساند».

۳-۳. عوامل ایجاد و تقویت امنیت اقتصادی

۱-۳-۳. انتظام و مدبرانه بودن معیشت

از سوی دیگر، امنیت اقتصادی و انتظام معیشت افراد چه در حوزه فردی و چه اجتماعی در منابع روایی مدح و توصیه شده است. در احادیث بر خوش معونه و مدبرانه بودن حیات اجتماعی و اقتصادی زندگی مؤمن تأکید شده است. امام صادق(ع) در این راستا فرموده‌اند: «المؤمن حسن المعونه، خفیف المؤمنه، حید التدبیر لمعیشته، لا یلسع من حجر مرتین» (مجلسی، بی‌تا: ج ۶۷، ص ۲۶۲): «یعنی مؤمن یاوری خوب و کم‌خرج و زحمت است، زندگی‌اش را خوب اداره می‌کند و از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود».

۲-۳-۳. تشویق فرهنگ تولید، کار، تلاش و خودکفایی

در روایات، تولید، کار و تلاش محور اصلی رشد اقتصادی و از ابزارهای تأمین امنیت اقتصادی به شمار می‌آید. از منظر تفکر اسلامی، توجه به آخرت نباید انسان را از تلاش برای معاش بازدارد.

۱. به معنای حیوان وحشی

در روایات از معصوم(ع) نقل شده است که: «اگر قیامت در حال برپایی است و در دست یکی از شماها نهالی قرار دارد، اگر قبل از به پا شدن قیامت قادر بر غرس آن هستید، لازم است آن را غرس نمایید»^۱.

از منظر دینی، انسان پرتلاش و سازنده، همانند جنگجوی جبهه جهاد معرفی شده است: «الکاد لعیاله کالمجاهد فی سبیل الله» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، ص ۴۳). همچنین در احادیث، وابستگی به دیگران نهی شده و بر تلاش و خودکفایی و خودباوری تأکید شده است. امام علی(ع) می‌فرماید:

«من وجد ماء و تراباً ثم افتقر فابعده الله» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، ص ۲۴):

«کسی که آب و خاک در اختیار داشته باشد و پس از آن دست نیاز به سوی

دیگران دراز کند، خداوند او را از خود می‌راند».

در روایات، برای مردم مسلمان، ارزش معنوی کار اقتصادی از نماز و روزه و عبادت بالاتر به حساب آمده است. امام حسین(ع) در توضیح آیه شریفه: «ربنا آتانا فی الدنیا حسنه و فی الآخرة حسنه»: «رضوان الهی و بهشت در آخرت است»، فرموده‌اند که مقصود حسنه در دنیا، وسعت و گشایش در روزی و معیشت و اخلاق نیکو در دنیا است.^۲ امام رضا(ع) درباره این آیه نیز فرموده‌اند: منظور از حسنه یا نیکی آخرت، رضایت خدا و بهشت اوست و نیکی در دنیا، گسترش در روزی و راه درآمد و اخلاق نیک می‌باشد. از سوی دیگر، در روایات معصومین(ع)، ترک تجارت و رها کردن کار اقتصادی از اعمال شیطان به حساب آمده است.^۳

۳-۳-۳. حرمت و مصونیت کامل مال و سرمایه

اسلام با ارزش نهادن به مال، سرمایه و تضمین عدم تعدی به حد مشروع آن، به افراد اعتماد و

۱. «ان قامت الساعة و فی ید احدکم الفسیله فان استطاع ان لا تقدم الساعة حتی یغرسها فلیغرسها» (نوری، ۱۴۰۷ق: ص ۴۶۰).

۲. «فی قولیه الله تعالی ربنا آتانا فی الدنیا حسنه و فی الآخرة حسنه. قال رضوان الله و الجنة فی الآخرة و السعة فی الرزق و المعاش و حسن الخلق فی الدنیا» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، حکمت ۱).

۳. رک: حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۶، حکمت ۳.

اطمینان می‌دهد که آن را در راه تولید و توسعه بکار گیرند. در خصوص حرمت مال و اموال مؤمن، پیامبر(ص) می‌فرماید: «حرمة ماله كحرمة دمه» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۶، حکمت ۵): «حرمت و ارزش مال مسلمان مانند حرمت و ارزش خون اوست. امام علی(ع) در همین حوزه می‌فرماید: «بزرگ‌ترین گناهان، بردن بخشی از مال مسلمان به ناحق است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۶، حکمت ۵؛ حکیمی، ۱۳۷۰: ج ۳، ص ۱۸۵، حکمت ۱).

جالب و شگفت‌آور این است که سیره و منش مذکور امام علی(ع) حتی شامل حیوانات هم می‌شود. آن‌جایی که حضرت حتی به مأموران زکات در مورد رعایت عدالت درباره شتران و عدم تعدی به آن‌ها سفارش می‌نمایند، تا آنجا که یادآور می‌شوند، مبدا بین شتر و نوزادش جدایی بیفتد و حتی ظریف‌تر از این نکته، تأکید می‌ورزند که «شیر شتران بچه‌دار را ندوشید تا به بچه‌اش زیان وارد نشود» (دشتی، ۱۳۸۱: نامه ۲۵، بند ۱۱، ص ۳۶۸). همچنین در تاریخ آمده است که حتی بعد از واقعه دردناک حکمیت، امام(ع) سهم بیت‌المال خوارج را پرداخت می‌کرد و حق و سهم آنان را محفوظ می‌شمرد. این در حالی است که این افراد بدسیرت به طور دائم امام(ع) را در خلوت و در جمع مورد کنایه و ناسزاهای خود قرار می‌دادند.

۳-۴. امانت‌داری، پرداخت خمس، زکات و صدقات

در روایات یکی از دستاوردهای امانت‌داری، گشایش رزق دانسته شده و خیانت در امانت موجب فقر به شمار آمده است. علی(ع) فرموده‌اند: «امانت‌داری روزی می‌آورد و خیانت در امانت فقر»^۱. در همین مبحث از پیامبر(ص) روایت شده است که: «امانت‌داری توان‌گری می‌آورد و خیانت در امانت، ناداری»^۲. بدین ترتیب امانت‌داری نیز از سازوکارهای تأمین امنیت اقتصادی است، همچنان که پرداخت خمس و زکات نیز چنین وجهی دارند و در بسیاری از روایات، پرداخت این مالیات اسلامی وسیله طهارت، حفظ و صیانت اموال شمرده شده‌اند. به عنوان مثال

۱. «الامانة تجر الرزق، و الخيانة تجر الفقر» (مجلسی، بی تا: ج ۷۸، ص ۶۰؛ ج ۷۵، ص ۱۷۲).

۲. «الامانة تجلب الغناء، و الخيانة تجلب الفقر» (مجلسی، بی تا: ج ۷۵، ص ۱۱۴، ۱۷۱؛ ج ۷۷، ص ۱۱۹).

پیامبر(ص) فرموده است:

«حَصَّنُوا اَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ وَ دَاوُوا اَمْرَاضَكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ اَعَدُّوا اللَّيْلَةَ الدَّعَاءَ» (تکنابنی، ۱۳۷۴: ص ۳۴۳): «اموال خود را به وسیله زکات محفوظ دارید و مریضان خود را با صدقه علاج کنید و برای جلوگیری از بلا به دعا متوسل شوید».

۳-۳-۵. رعایت عدل و انصاف در معاملات، وضع و اخذ مالیات‌ها، و نرخ‌گذاری

برخی از فرازهای نهج البلاغه به خوبی نمایانگر وجوه متعددی از ماهیت امنیت اقتصادی است. به عنوان نمونه امام علی(ع) به مأموران جمع‌آوری زکات و مالیات این فرمان را صادر کرد: «از بنده خدا علی امیرمؤمنان، به کارگزاران جمع‌آوری مالیات ... در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید، و در برآوردن نیازهای‌شان شکیبا باشید. همانا شما خزانه‌داران مردم، و نمایندگان ملت، و سفیران پیشوایان هستید. هرگز کسی را از نیازمندی او بازدارید، و از خواسته‌های مشروعش محروم نسازید، و برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی، و مرکب سواری، و برده‌کاری او را نفروشید، و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزنید، و به مال کسی - «نمازگزار باشد، یا غیر مسلمانی که در پناه اسلام است» - دست درازی نکنید، جز اسب یا اسلحه‌ای که برای تجاوز به مسلمان‌ها به کارگرفته می‌شود، زیرا برای مسلمان جایز نیست آن‌ها را در اختیار دشمنان اسلام بگذارد، تا نیرومندتر از سپاه اسلام گردند. از پند دادن به نفس خویش هیچ کوتاهی نداشته، از خوش‌رفتاری با سپاهیان، و کمک به رعایا، و تقویت دین خدا، غفلت نکنید ...» (دشتی، ۱۳۸۱: نامه ۵۱، ص ۴۰۸).

همچنین در عهدنامه مالک، امام(ع) از تجار و صاحبان صنایع تعریف نموده و آن‌ها را از منابع اصلی منافع و اسباب آسایش جامعه به شمار آورده و زحمات آن‌ها را ستوده است:

«... توجه داشته باش که بازرگانان و پیشه‌وران و صنعت‌گران، مردمی سالم و خوب هستند و از نیرنگ و شورش آنان بیمی وجود ندارد. مردمی آشتی‌طلبند که فتنه‌انگیزی ندارند. در کار آن‌ها بیندیش!...» (دشتی، ۱۳۸۱: نامه ۵۳، بند ۹۵-۱۰۰، ص ۴۲۲-۴۲۳).

در ادامه، امام علی(ع) با توییح محتکرین، ضرورت برخورد با احتکارکنندگان را یادآورد شده و وضع موازین عدل در معاملات و نرخ‌گذاری عادلانه را توصیه فرموده‌اند (دشتی، ۱۳۸۱: نامه ۵۳، بند ۹۵-۱۰۰، ص ۴۲۲-۴۲۳). امام علی(ع) در نامه به مالک بر ضرورت تخفیف و اصلاح مالیات‌های سنگین به ویژه در بروز سوانح مصیبت‌بار تأکید داشته و آن را مایه جلب اعتماد مردم و در نتیجه همراهی افزون‌تر آن‌ها با حکومت و استواری بیش‌تر نظام سیاسی دانسته است (دشتی، ۱۳۸۱: نامه ۵۳، بند ۷۹-۸۶، ص ۴۲۰).

۳-۳-۶. تقویت و تحکیم ایمان و امنیت معنوی

با توجه به مبنایی بودن موضوع ایمان و امنیت معنوی، مسائل ایمانی و تقویت اعتقادات نیز در روایات، به عنوان ابزار گشایش روزی و ایمنی اقتصادی و در امان بودن از فقر، مطرح شده است. از امام رضا(ع) نقل شده است که: «هر کس قبر حسین(ع) را سه بار زیارت کند، از فقر در امان می‌ماند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۴، باب ۴۰، ص ۴۳۸، روایت ۱۹۵۵۰). همچنین پیامبر(ص) به امام علی(ع) می‌فرماید:

«ای علی سوره یس را بخوان، زیرا بدرستی که در یس ده برکت وجود دارد: نمی‌خواند آن را مگر گرسنه‌ای که سیر گردد، و مگر تشنه‌ای که سیراب شود، و مگر عریانی که پوشیده گردد، و مگر فرد عزبی که ازدواج کند، و مگر ترسانی که امنیت یابد، و مگر مریضی که شفا یابد، و مگر زندانی که آزاد گردد و ...»^۱.

۳-۴. عوامل مخلّ امنیت اقتصادی

۳-۴-۱. فقر و رفاه‌زدگی

از دیدگاه روایات، فقر نه تنها مخلّ امنیت اقتصادی است بلکه مایه اخلال ایمان و امنیت معنوی افراد و جامعه بوده، همچنان که پیامبر(ص) فرمود: «کاد الفقر ان یكون کفراً» (تنکابنی

۱. «یا علی! قرا یس فان فی یس عشره برکات ما قراءها الا شبع و لا ظماء الا روی و لا عار الا کسی و لا عذب ال تزوج و لا خائف الا امن و لا مریض الا برا و لا محبوس الا اخراج و ... (مجلسی، بی‌تا: ج ۹۲، ص ۲۹۰، روایت ۴، باب ۵۷).

۱۳۷۴: ص ۱۰۴):^۱ «بیم آن است که فقر به کفر انجامد». امام علی (ع) نیز در جای جای نهج البلاغه، پدیده شوم فقر را نکوهیده است و به عنوان مثال به فرزندش محمد حنفیه می‌فرماید:

«یا بُنِیَّ اِنِّیْ اِخَافُ عَلَیْکَ الْفَقْرَ. فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنْهُ، فَانَّ الْفَقْرَ مَنْقُصَةٌ لِلدِّیْنِ، مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِیَةٌ لِلْمَقْتِ» (دستی، ۱۳۸۱: حکمت ۳۱۹، ص ۵۱۲):

«ای فرزند! من از تهیدستی بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر، که همانا فقر، دین انسان را ناقص، و عقل را سرگردان، و عامل دشمنی و برانگیزاننده خشم است».

البته با توجه به طبع افراط‌گرا و طغیان‌گر انسانی در هنگام روی‌آوری رفاه و گشایش مادی به وی می‌توان از احادیث استنباط کرد که این مسئله برای انسان‌ها از فقر بیشتر خطر داشته و دارد. در روایت نبوی آمده است که فتنه گشایش گسترده روزی و ثروت از مسئله فقر، خطرناک‌تر است، زیرا می‌توان بر فقر صبر کرد، اما تنعم و گشایش‌های گسترده دنیایی گمراه‌کننده‌تر است. پیامبر (ص) می‌فرماید:

«من درباره شما از فتنه گشایش بیش از فتنه تنگدستی بیم دارم، شما به فتنه تنگدستی مبتلا شدید و صبر کردید، حقا که دنیا شیرین و دل‌فریب است».^۲

۳-۴-۲. رشوه، ربا، اسراف، احتکار

در روایات عواملی هم به عنوان عوامل مخل امنیت اقتصادی ذکر شده‌اند که از جمله آن‌ها رشوه، ربا و اسراف است. پیامبر (ص) در روایتی ربا را مایه قحطی و رشوه را عامل ایجاد رعب و وحشت به شمار می‌آورند:

«ما مِنْ قَوْمٍ یَظْهَرُ فِیْهِمُ الرِّبَا اِلَّا اُخِذُوا بِالسَّنَةِ وَ ما مِنْ قَوْمٍ یَظْهَرُ فِیْهِمُ الرِّشَا اِلَّا اُخِذُوا بِالرُّعْبِ» (تنکابنی، ۱۳۷۴: ص ۱۳۹):

۱. تنکابنی، ۱۳۷۴: ص ۱۰۴.

۲. «لانا من فتنه السراء أخوف علیکم من فتنه الضراء، انکم ابتلیتم بفتنه الضراء فصبرتم و ان الدنيا خلوة خضرة» (تنکابنی، ۱۳۷۴: ص ۱۰۴).

«هر گروهی که ربا میان‌شان رواج می‌گیرد، به قحط مبتلا شوند و هر گروهی رشوه میان‌شان رواج گیرد، به ترس دچار شوند».

امام صادق (ع) در تقابل اسراف با پدیده امنیت اقتصادی و تعامل اسراف با فقر می‌فرماید: «ان السرف یورث الفقر و ان القصد یورث الغنی» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، ص ۴۱، باب ۲۲، حکمت ۱):

«همانا اسراف، پدیدآورنده فقر و میانه‌روی موجب بی‌نیازی است».

از سویی اسلام، با تحریم احتکار و منع این پدیده، جلوی تمرکز ثروت ناشی از آن را گرفته و از این راه نیز در راه تعدیل ثروت و ایجاد امنیت اقتصادی گام برداشته است. تحریم احتکار در مواردی مانند گندم، جو، خرما، کشمش و روغن در روایات تصریح شده است و در غیر آن موارد نیز - در صورتی که احتکار کالایی به زیان جامعه باشد - با دستور حاکم اسلامی و از باب ولایت حاکم بر امور حسبیه، ممنوع می‌شود.

باید اضافه کرد که معنای لغوی احتکار، عبارت است از جمع و حبس کردن چیزی که مورد نیاز مردم است تا اینکه زندگی آنها در تنگنای شدید قرار گیرد. بنابراین، واژه احتکار، نسبت به حبس هر کالایی که مورد احتیاج شدید قرار گیرد، صدق می‌کند و اختصاص به حبس طعام ندارد.^۱ همچنین باید اضافه کرد که واژه «احتکار» و مشتقاتی از «ثلاثی مجرد» آن، در قرآن مجید نیامده، اما به وفور به این موضوع و واژه در روایات اشاره شده است. به عنوان نمونه امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر در این باره فرموده است:

«این را هم بدان که در میان بازرگانان، کسانی هستند که تنگ‌نظر و بد معامله و بخیل و احتکارکننده‌اند، که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند، و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند، که این سودجویی و گران‌فروشی برای همه افراد جامعه زیان‌بار، و عیب بزرگی بر زمامدار است. پس، از احتکار کالا جلوگیری کن، که رسول

۱. برای اطلاع بیشتر رک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱: ص ۳۳۴.

خدا(ص) از آن جلوگیری می‌کرد. باید خرید و فروش در جامعه اسلامی به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد، با نرخ‌هایی که بر فروشنده و خریدار زبانی نرساند. کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده، تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر او اسراف نکن» (دشتی، ۱۳۸۱: نامه ۵۳، ص ۴۲۲-۴۲۳، بند ۹۷-۱۰۰).

۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در آزمون پرسش اصلی خود، با ذکر مستندات و تحلیل‌هایی کافی، اثبات کرد که مفهوم متحول و پیچیده امنیت اقتصادی و راهکارهای تامین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی با استواری و اتقان لازم بیان شده است. در همین راستا و بر مبنای آیات و روایات، عوامل ایجاد و تقویت امنیت اقتصادی و عوامل مخل امنیت مزبور به تفکیک و تفصیل بیان شد. بر مبنای دستاوردهای این پژوهش و در راستای طراحی و تحقق بخش مهمی از الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت و در پاسخ به مطالبات اقتصادی و معیشتی امروز و به حق جامعه انقلابی ایران، می‌توان خلاصه‌ای از سازوکارهای تأمین امنیت اقتصادی را به شرح زیر بیان کرد:

۱. حفظ و تقویت ایمان جامعه و انجام تمهیدات و بسترسازی لازم حکومت جهت بالندگی و ارتقاء آن در راستای دستیابی به امنیت جامع، توسعه رزق فراوان و ارزان به عنوان محصول حیات طیب و پاک و مؤمنانه انسانی و مقابله با بی‌ایمانی و کفرورزی به خداوند.
۲. نفی هرگونه تعدی، تجاوز به حقوق فردی و عمومی، و حرمت و مصونیت کامل مال و سرمایه افراد و محترم شمردن مالکیت خصوصی در مسیر وصول به جامعه ایمانی و حیات حسنه همراه با تلاش مجدانه و آخرت‌گرایانه برای تأمین و انتظام مدبرانه معیشت دنیایی.
۳. رعایت اصول عدالت، انصاف و حاکمیت‌بخشی به آنها در کلیه تعاملات و دادوستدهای اقتصادی و وضع موازین عادلانه در معاملات، وضع و اخذ مالیات‌ها، نرخ‌گذاری‌ها و مقابله با کم‌فروشی و خرید مازاد بر احتیاج، و توصیه اُکید به امانت‌داری.
۴. شکوفاسازی اقتصاد و توجه به تولید، کار و تلاش مجدانه به عنوان محور اصلی رشد و امنیت اقتصادی.

۵. توزیع سرمایه و جلوگیری از تمرکز و تکاثر ثروت، طغیان‌ها و رفاه‌زدگی‌های مالی افراد و مهار سرمایه‌های کلان.
۶. اجرای نظام تأمین اجتماعی برای پر کردن فاصله‌های فاحش طبقاتی، و به خصوص توصیه، ترویج و ساماندهی امر انفاق و مالیات‌های شرعی خمس و زکات در جهت افزایش انتظام و اقتصادی جامعه و رفع محرومیت‌ها.
۷. جلوگیری از پدیده منفور و ناامن‌کننده ربا که موجب شکاف‌های طبقاتی و منازعات اجتماعی است و جایگزینی آن با راهکارهای اسلامی مانند اعطای صدقات، انفاق، و قرض‌الحسنه.
۸. نفی عوامل افساد و اخلال در امنیت اقتصادی مانند پذیرش ولایت طاغوت، کفران و ناشکری نعمت، رباخواری، رشوه، اسراف، احتکار، عدم رعایت عدالت، فقر و عوامل موجد تفاوت‌های فاحش طبقاتی.
۹. تحقق عدالت و قبول وجود تفاوت میان افراد اجتماع بر مبنای استحقاق‌های متفاوت آن‌ها و عدم باور به لزوم تساوی مطلق آحاد جامعه و بسترسازی رقابت عادلانه اقتصادی و ایجاد امکان دستیابی افراد به منزلت‌های بالاتر، بر حسب تلاش و کوشش.
۱۰. افزایش قدرت، توانمندی و اقتدار اقتصادی به عنوان یکی از اهرم‌های مهم دفاع در مقابل دشمنان و تهدیدکنندگان.
۱۱. دستیابی به استقلال، خودکفایی اقتصادی و نفی وابستگی و سلطه.
۱۲. حاکمیت‌بخشی به «قاعده نفی سبیل» در معاملات و مراودات اقتصادی با مشرکین و بیگانگان و نفی سلطه اقتصادی آن‌ها و پرهیز از رفاقت، رازگویی و مشورت‌خواهی اقتصادی از بیگانگان کافر و دشمنان.
۱۳. جلوگیری از اسراف، تبذیر و مقابله با رفاه‌زدگی و توصیه به میانه‌روی و زندگی مدبرانه اقتصادی و نفی بخل‌ورزی و گشاده‌دستی مفرط.
۱۴. مقابله با کفران و ناشکری نعمت و کفرورزی به ذات اقدس الهی و تأکید بر شکرگزاری نعمت‌ها و عبودیت وی.
۱۵. برخورداری از انتظام و تدبیر، اعتدال و میانه‌روی در برنامه‌ریزی و حیات اقتصادی.

منابع

- قرآن مجید. ترجمه استاد محمدمهدی فولادوند.
- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه انتشارات حضور، ۱۳۸۱.
۱. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۶۳). *تحف العقول*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
 ۲. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۲). *عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام*. قم: بوستان کتاب.
 ۳. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶). *امنیت در نظام سیاسی اسلام*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
 ۴. بوزان، باری (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 ۵. تنکابنی، مرتضی فرید (گردآورنده)، (۱۳۷۴). *نهج الفصاحه*. تهران: نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم.
 ۶. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق). *وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌البت (ع) لاحیاء التراث، ج ۶، ۱۲.
 ۷. حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۰). *الحیاه*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۳.
 ۸. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱). *مبانی اقتصاد اسلامی*. تهران: سمت.
 ۹. روحانی، محمود (۱۳۶۸). *المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم (فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم)*. مشهد: آستان قدس رضوی، ج ۳.
 ۱۰. طباطبایی، سید محمد (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ج ۲، ۵، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳.
 ۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. قم: انتشارات اسلامی.
 ۱۲. ماندل، رابرت (۱۳۷۷). *چهره متغیر امنیت ملی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 ۱۳. مجلسی، محمدباقر (بی‌تا). *بحار الانوار*. قم: دارالکتب الاسلامیه، ج ۷۸، ۶۷.
 ۱۴. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۷ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل‌البت لاحیاء التراث.